

## هزینه و خسارت دادرسی

موسی فرامرزی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

### کلیات

اصولاً طرح دعوا در مراجع قضایی مستلزم رعایت تشریفات قانونی است؛ از جمله این که شروع به رسیدگی با تقدیم دادخواست به عمل می‌آید که خود نیز دارای شرایطی است؛ از جمله پرداخت هزینه دادرسی که خواهان جهت به جریان افتادن دادخواست مکلف به کارسازی آن می‌باشد. البته براساس معیارها و میزانی که قانون‌گذار مشخص نموده است و تخلف از اجرای این شرط، جزئاً یا کلاً از موجبات توقیف دادخواست تلقی گردیده و رفع توقیف جز با تکمیل نقص مزبور یا اثبات عدم توانایی موقت در پرداخت (اعسار) میسر نمی‌باشد. به نظر می‌رسد روش ارائه شده توسط قانون‌گذار در طرح دعوا که آن را مستلزم هزینه می‌داند، صرف نظر از این که می‌تواند اقامه ی دعاوی ایدایی را محدود نماید، با اصل (۳۴) قانون اساسی که اشعار می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان از مراجعه به دادگاهی که حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» در تعارض باشد. گرچه مقنن از خود انعطاف نشان داده و با تأسیس نهاد اعسار از هزینه ی دادرسی، زمینه ی اجرای اصل مزبور را هموارتر ساخته و راه حضور مستمندان و طبقه ی کم‌درآمد جامعه را در صورتی که حقوقشان در معرض تضییع یا انکار قرار بگیرد، باز گذاشته است.

همان‌گونه که خواهان جهت احقاق حقوق در معرض تضییع یا انکار به مراجع قضایی مراجعه و مبالغی را صرف عملیات دادرسی می‌نماید، در صورتی که این تضییع و یا انکار یا تجاوز به حقوق به عمد یا از روی تقصیر صورت گرفته باشد، خواننده که محکوم‌علیه واقع می‌شود به موجب حکم دادگاه ملزم به پرداخت کلیه ی این مبالغ می‌گردد و این در حالی است که اگر خواهان نیز بدون حق یا دلیل مثبت حق، اقامه ی دعوا نموده و موجبات ورود زیان به خواننده (محکوم‌له) را فراهم ساخته باشد، با وی نیز رفتار مشابه خواهد شد. بنابراین، ما در این مقاله همان‌گونه که پیداست به تجزیه و تحلیل در دو بخش تحت عنوان هزینه ی دادرسی و خسارات دادرسی خواهیم پرداخت.

### اول: هزینه ی دادرسی

«وجوهی است که خواهان یا خواهان‌ها<sup>(۱)</sup> برای به جریان افتادن دادخواست قانوناً مکلف به پرداخت آن هستند.» و براساس ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) عبارت است:

۱- هزینه ی برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود؛

۲- هزینه قرارها و احکام دادگاه.

این هزینه از طریق الصاق و ابطال تمبر یا واریز وجه نقد پرداخت می‌شود و همان‌گونه که اشاره شد، ضمانت اجرای تخلف از آن توقیف دادخواست می‌باشد (ماده ۵۳ ق.آ.د.م) که اگر در مهلت کارسازی نشود، دادخواست به موجب قرار دفتر دادگاه رد خواهد شد (ماده ۵۴ ق.آ.د.م).

میزان و اقسام این هزینه‌ها به دلالت ماده (۵۰۳) آ.د.م، در حال حاضر توسط ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (۱۳۷۳) معین می‌گردد که با دو عنوان هزینه‌های ثابت و متغیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

#### الف) هزینه‌های ثابت

«منظور هزینه‌هایی است که اولاً در تمام انواع دعاوی و تمام مراحل دادرسی در صورت نیاز به آن‌ها، مشخص و یکسان است؛ ثانیاً هزینه‌های مزبور غالباً با سایر هزینه‌ها مورد محاسبه قرار می‌گیرند. به‌ویژه جهت برآورد خسارات دادرسی برحسب مورد.»

این هزینه‌ها عبارتند از:

- ۱- بهای ورقه‌ی دادخواست یک صد (۱۰۰) ریال (بند "۶" ماده (۳) ق.و.د.د)؛
  - ۲- تقدیم دادخواست که ورودی تلقی شده است، یک‌هزار (۱۰۰۰) ریال (بند "۴" ماده (۳) ق.و.د.د)؛
  - ۳- هزینه‌ی تطبیق اوراق با اصل... در هر مورد، دویست (۲۰۰) ریال (بند "۱۷" ماده (۳) ق.و.د.د)؛
  - ۴- درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته، پنج‌هزار (۵۰۰۰) ریال (بند "۱۳" ماده (۳) ق.و.د.د)؛
  - ۵- درخواست دستور موقت، پنج‌هزار (۵۰۰۰) ریال. براساس تبصره "۲" ماده (۳۲۵) ق.آ.د.م که درخواست صدور آن رامستلزم پرداخت هزینه‌ی دادرسی معادل دعاوی غیرمالی اعلام کرده است؛
  - ۶- درخواست سازش پنج‌هزار (۵۰۰۰) ریال. بر مبنای ماده (۱۹۳) ق.آ.د.م که پرداخت هزینه‌ی آن را معادل دعاوی غیرمالی قرار داده است؛
  - ۷- اوراق اظهارنامه یک‌هزار (۱۰۰۰) ریال؛
  - ۸- ابلاغ اظهارنامه یک‌هزار (۱۰۰۰) ریال؛
  - ۹- هزینه‌ی قرارهای قابل تجدیدنظر یک‌هزار (۱۰۰۰) ریال؛
  - ۱۰- دعاوی غیرمالی (دعوی اصلی، طاری) و شکایت از احکام: «تجدیدنظرخواهی، اعاده‌ی دادرسی، اعتراض و...» پنج‌هزار (۵۰۰۰) ریال (بند "۱۳" ماده (۳) ق.و.د.د)؛
- البته در این بند به‌طور مطلق دعاوی غیرمالی را مستلزم این میزان هزینه دانسته است و از اطلاق آن برای سایر مراحل دادرسی نیز استفاده می‌شود.
- ۱۱- هزینه‌ی دعاوی غیرقابل تقویم در زمان تقدیم دادخواست دوهزار (۲۰۰۰) ریال (بند "۱۴" ماده (۳) ق.و.د.د).

#### ب) هزینه‌های متغیر:

اولاً هزینه‌هایی هستند که اصولاً بر مبنای بهای خواسته محاسبه گردیده و میزان آن باتوجه به شاخص تعیینی توسط قانون‌گذار مشخص می‌شود. ثانیاً فقط در دعاوی مالی موضوعیت دارند.

۱- **مرحله‌ی بدوی** (دعوی اصلی و طاری<sup>(۲)</sup>): اگر بهای خواسته تا ده میلیون ریال تعیین شود یا در دعاوی غیرمنقول، ارزش معاملاتی ملک در منطقه‌ی واقع شده تا این میزان باشد، هزینه‌ی دادرسی معادل ۱/۵ درصد بهای خواسته یا ارزش معاملات منطقه‌ای است.

مثال: بهای خواسته ده میلیون ریال:

$$۱۰/۰۰۰/۰۰۰ + ۱/۵ = ۱۵/۰۰۰$$

در صورتی که بهای خواسته یا ارزش منطقه‌ای ملک بیش از ده میلیون ریال باشد، نسبت به مازاد بر آن، ۲٪ ارزش خواسته می‌باشد.

هزینه‌ی دادرسی = هزینه‌ی پایه + (شاخص) (بهای پایه \_ بهای خواسته)

هزینه ۵۵۰/۰۰۰ = ۱۵/۰۰۰ + (۰.۲) (۱/۰۰۰/۰۰۰ - ۳۰/۰۰۰/۰۰۰)

۲- هزینه ی تجدیدنظر در مراجع تجدیدنظر استان و واخواهی از احکام غیابی معادل ۳٪ ارزش محکوم به.

۳- هزینه ی تجدیدنظر در دیوان عالی کشور و اعاده ی دادرسی و اعتراض ثالث بر حکم احکامی که محکوم به آن تا ده میلیون ریال باشد، به میزان ۳٪ و مازاد به نسبت اضافه ۴٪ ارزش محکوم به (منقول یا غیرمنقول).  
ذکر این مطلب لازم است که علی‌الاصول کلیه ی اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از خصوصی و دولتی باید کلیه ی هزینه‌های دادرسی یادشده را پرداخت نمایند و مبنا و معیار آن هم همان است که در بالا ذکر شد. اما مقنن به هر دلیلی برخی از اشخاص را از پرداخت آن به‌طور دائم یا موقت معاف دانسته و استثنایی بر اصل قایل شده که این استثناء، باتوجه به خلاف اصل و قاعده بودنش تنها تاب تفسیر مضیق را دارد که در این بخش به بررسی آن خواهیم پرداخت:

۱- بنیاد مستضعفان: براساس لایحه ی قانونی راجع به معافیت، بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه ی دادرسی در تمام مراجع قضایی معاف گردیده است. اما باتوجه به رأی وحدت رویه ی شماره ۵۴۳\_۶۹/۱۰/۱۱ این معافیت به شرکت‌های تحت پوشش آن که دارای شخصیت مستقلی بوده و فعالیت انتفاعی دارند، سرایت نمی کند و آن‌ها براساس قاعده ملزم به پرداخت هزینه هستند.  
۲- بنیاد شهید و کمیته ی امداد امام (ره): به‌موجب تبصره ی ماده واحده ی قانون استفاده ی برخی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی و... (مصوب ۱۳۷۴).

۳- دادستان در کلیه ی اموری که ملزم به اقامه ی دعواست؛ مثل دعاوی راجع به ارث بلاوارث و سایر موارد در قانون امور حسبی (۳۷۶ق) و براساس تبصره "۳" ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب معروف به «قانون احیاء دادرسی».

۴- معسر از پرداخت هزینه ی دادرسی براساس ماده (۵۰۴) ق.آ.د.م و هم چنین ورشکسته براساس (۵۱۲). معسر شخصی است که به‌واسطه ی عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود موقتاً از پرداخت هزینه ی دادرسی معاف می‌گردد (ماده (۵۰۱) ق.آ.د.م). شخصی که به این دلیل قادر به پرداخت هزینه نمی‌باشد، می‌تواند در جهت به‌دست آوردن حقوق ادعایی خود بعد از اثبات اعسار، از مزایای آن استفاده کرده و به طرح دعوا بپردازد و برای کسب این معافیت باید ضمن دادخواست بدوی، تجدیدنظر یا فرجام یا به‌موجب دادخواست جداگانه ادعای خود را مطرح نماید و با صدور حکم قطعی مبنی بر اعسار، خواهان در تمام مراحل دادرسی در آن دعوا از پرداخت تمام یا بخشی از هزینه ی دادرسی موقتاً معاف می‌باشد یا مجاز به پرداخت آن به اقساط می‌شود. هم چنین حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت از پرداخت حق الوکاله را داراست. همان‌طور که گفته شد این معافیت اخیر دائمی نبوده، بلکه موقت است و براساس ماده (۵۱۴) هرگاه این شخص به تأدیه تمام یا بخشی از هزینه ی دادرسی متمکن گردید، ملزم به پرداخت آن خواهد بود. شخص ورشکسته نیز از پرداخت هزینه ی دادرسی معاف می‌باشد. (ماده (۵۱۲) ق.آ.د.م).

بعد از روشن شدن ابعاد هزینه ی دادرسی - که از شروط شروع رسیدگی در دادگاه به حساب می‌آید - در ادامه ی بحث اجمالاً به بررسی خسارت‌های ناشی از دادرسی می‌پردازیم.

## خسارت دادرسی

خسارت‌های دادرسی به استناد ماده (۵۱۹) ق.آ.د.م عبارت است از: «هزینه‌ی دادرسی و حق‌الوکاله‌ی وکیل و هزینه‌های دیگری که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است». خسارات دادرسی زیان‌های ناشی از دادرسی است که طرف پیروز در دعوا از محکوم‌علیه می‌تواند مطالبه نماید. در این قضیه محکوم‌علیه فردی<sup>(۳)</sup> است که نتوانسته در دعوی مطروحه موفق شود؛ اگر خواهان بوده محکوم به بی‌حقی جزئاً یا کلاً و اگر خوانده بود حکم علیه او صادر شده که در این صورت محکوم‌له مطابق مقررات قانون آ.د.م، می‌تواند الزام طرف را به تأدیه‌ی خسارات وارده بخواهد. هزینه‌های مربوط، براساس معیار قانونی قابل مطالبه هستند که عبارتند از:

۱- هزینه‌هایی که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی بوده باشد؛

۲- برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده باشد؛

۳- خارج از حد ضرورت نباشد و باید اصولاً متعارف باشد. (م (۵۲۱) ق.آ.د.م)؛

۴- ناشی از تقصیر محکوم‌علیه باشد.

ماده (۵۲) از باب تمثیل به برخی از خسارت‌ها اشاره نموده؛ از جمله حق‌الزحمه‌ی کارشناس و هزینه‌ی اجرای قرار تحقیقات محلی و از آن جا که این موارد حصری نیستند، سایر هزینه‌ها مثل هزینه‌های مربوط به شهود براساس ماده (۱۶۰) ق.آ.د.ک در حد متعارف و هزینه‌ی اجرای قرار معاینه محل، اجرای تأمین دلیل و حق‌الوکاله در حد تعرفه و هزینه‌ی سفر وکیل و انتشار روزنامه... را نیز شامل می‌شود که محکوم‌علیه در صورت انفراد با حصول شرایط یادشده ملزم به پرداخت آن می‌باشد و در صورت تعدد محکوم‌علیهم نیز باید مسئولیت آنها به نحو تضامن تلقی شود و یا به نحو اشتراک نسبت به آن اظهارنظر شود<sup>(۴)</sup> که اگر دادگاه مدعی به (خواسته) را به اختلاف یا بالسویه تسهیم کرده، به همان میزان محکومیت، محکوم‌علیهم ملزم به پرداخت هزینه‌ی دادرسی می‌شوند اما اگر همه را مجتمعاً یا متضامناً محکوم کرده باشد محکوم‌له مجاز خواهد بود به هر کدام مجتمعاً یا منفرداً رجوع کند. در حقیقت در این خصوص محکومیت در خسارت دادرسی تابع محکومیت در اصل دعواست. اما به نظر می‌رسد به لحاظ استثنایی بودن مسئولیت تضامنی در حقوق ایران، دامنه‌ی آن را نمی‌توان حتی به توابع خواسته و محکوم‌به هم سرایت داد، جایی که محکوم‌علیهم متعدد هستند، در صورت مشخص نبودن سهم آنان از محکوم‌به مسئولیت راجع به خسارت را نمی‌توان به نحو تضامن برقرار کرد؛ بلکه باید به قواعد آن مراجعه و مسئولیت را اشتراکی تلقی و درخصوص میزان تعهد هر یک در تدارک خسارت، آن را بالسویه محسوب داشت. البته بدیهی است در این جا نیز ارکان مطالبه‌ی خسارت باید همگی جمع باشند.

علی‌رغم این که محکوم‌علیه با حصول شرایط به پرداخت خسارت دادرسی محکوم می‌شود اما استثنائاتی نیز می‌توان برای آن متصور شد مبنی بر این که شخص به پرداخت خسارت محکوم نشود یا در عمل به پرداخت آن اقدام نکند:

۱- گفته شد که دادستان از هزینه‌ی دادرسی معاف است، اما در جایی که دادستان محکوم‌علیه واقع شود و از این باب برطرف دعوا زیان وارد آید، خسارات چگونه تدارک می‌گردد؟

از جمله مواردی که دادستان می‌تواند دخالت کند دخالت در امر ارت بلاوارث است. برخی از حقوق دانان اظهار نظر نموده‌اند با توجه به این که اعمال دادستان وابسته به نظم عمومی و مصالح عامه است، نباید وی محکوم

به پرداخت خسارت شود؛ به‌ویژه این که اعمال وی تابع قانون امور حسبی بوده و از شمول مقررات آیین دادرسی مدنی خروج موضوعی دارد. در نتیجه اگر دادستان محکوم شد، خسارات وارد بر طرف محکوم‌له بدون جبران باقی می‌ماند.<sup>(۵)</sup> اما به نظر می‌رسد که این راه‌حل را به‌عنوان یک قاعده نمی‌توان پذیرفت؛ به‌ویژه جایی که دولت در مقام طرح یا دفاع از دعوا از پرداخت خسارات دادرسی معاف نیست و دادستان نیز خارج از آن نمی‌باشد؛ «مشروط بر این که دادستان اختیار اقامه ی دعوا جهت حفظ مصالح عمومی به غیر از موارد مربوط به امور حسبی را داشته باشد».

۲- در صورتی که طرفین، دعوایشان را به سازش خاتمه دهند، اصولاً حکم به خسارت صادر نخواهد شد مگر ترتیب دیگری مقرر کرده باشند.

۳- هزینه‌های غیرضروری و نامتعارف. (ماده (۵۲۱) ق.آ.د.م)

۴- در مواردی که مقدار هزینه و خسارت در قانون به‌موجب تعرفه ی رسمی معین شده باشد، مازاد بر میزان مقرر شده در تعرفه به‌عنوان خسارت قابل مطالبه نیست؛ مثل حق‌الوکاله و هزینه ی سفر و کلا که جبران آن‌ها براساس تعرفه معین شده است.

۵- در صورتی که نتوان تقصیر محکوم‌علیه را ثابت کرد، حکم به خسارت صادر نخواهد شد.

۶- از مواردی که عملاً پرداخت خسارت دادرسی صورت نمی‌گیرد، جایی است که طرفین هر دو محکوم‌له و محکوم‌علیه واقع شده‌اند؛ آن هم در صورت تساوی خسارت به لحاظ وقوع تهاوتر. ولی اگر خسارت یکی از آنان از حد معادله بالاتر رود، نسبت به مازاد، طرف قابل ملزم به پرداخت است.

البته این مورد از موارد معافیت نیست ولی چون در عمل چیزی پرداخت نمی‌شود، در این جا گنجانده شده است.

### **طریقه ی مطالبه خسارت**

در صورتی که مطالبه ضمن دادخواست اصلی نباشد و به‌طور مستقل ارائه شود، مستلزم تقدیم دادخواست است مگر خسارات ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته آن هم ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی.

### **اثر کاهش خواسته در میزان خسارت دادرسی**

اگر خوانده ی دعوا محکوم گردد، خسارات به نسبت خواسته ی کاهش یافته محاسبه می‌گردد مگر کاهش خواسته ناشی از دریافت آن قسمت بعد از اقامه ی دعوا باشد که در این صورت بر مبنای میزان خواسته ی اولیه محکوم می‌شود. در صورتی که دعوای خواهان رد شود نیز این کاهش مؤثر است؛ البته فقط نسبت به خساراتی اعمال می‌شود که مربوط به پس از کم کردن خواسته و به نسبت آن می‌باشد.<sup>(۶)</sup> پی‌نوشت‌ها:

۱- پرداخت هزینه ی مقرر یک‌نفر از آن‌ها از دیگران سلب مسئولیت می‌کند.

۲- در دعاوی با خواسته ی بیش از ده میلیون ریال، مبلغ مزبور و هزینه ی دادرسی آن به‌عنوان مبلغ و هزینه ی پایه محسوب که با هزینه ی بهای خواسته نسبت به الباقی جمع می‌شود و حاصل جمع آن‌ها هزینه ی دادرسی را تشکیل می‌دهد.

۳- منظور شخصی است که به اصالت در دعوا شرکت داشته، شامل وکیل و... نمی‌شود.

۴- متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ مجدد.

۵- همان، ص.۳۶

۶- شمس، دکتر عبدا...، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، ص ۱۶۵.